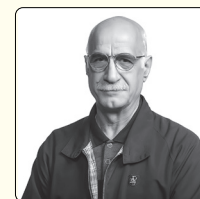


ساده، صریح، کاریکاتور

(نگاهی گذرا به زندگی و آثار جواد پویان)



• چه تعریفی از کاریکاتور دارید؟

من معتقدم که کاریکاتور یک زبان و یک جور فکر کردن است و یک جور ارتباط برقرار کردن است. در مسافرتی با فردی همراه بودم که نه او زبان مرا می‌دانست و نه من زبان او را. از طریق کشیدن طرح‌هایی ساده شروع کردم به ارتباط با او. سؤال خودم را با طرحی برای او مطرح می‌کردم و برای یافتن پاسخ‌های او نیز طرحی می‌کشیدیم. از این طریق ۵ ساعت صحبت می‌کردیم. حرف‌های زیادی به همین ترتیب بین ما رد و بدل شد؛ و حتی دوستی‌مان بعدها هم ادامه پیدا کرد. [...]

• لطفاً در مورد شخصیت و نوع طرح‌هایتان توضیح دهید.

شما اگر کار کاریکاتوریست‌های مختلف دنیا را نگاه کنید، می‌بینید هر کدام با یک روش و تکنیک خاص کار می‌کنند و کارهای هر کاریکاتوریست، شخصیت خاص خود را دارد. کاریکاتوریست‌ها آدم‌های متفاوتی هستند که در محیط‌های مختلفی زندگی می‌کنند و خصوصیات روحی و روانی متفاوتی دارند. در نتیجه‌ی این روحیات مختلف است که هر کدام از آن‌ها به شیوه‌ای که ریشه در شخصیت روحی آن‌ها دارد می‌رسند. بعد از دیدن چند کار از یک کاریکاتوریست، بدون توجه به امضای آن‌ها، می‌توانید بفهمید که طرح کار چه کسی است. به این ترتیب، من نیز به دنبال یافتن فرم و شیوه‌ی خاص خود بوده‌ام و فکر می‌کنم به این شخصیت کاری رسیده‌ام.

در مورد شخصیت طرح‌هایم می‌توانم بگویم که از نظر طراحی، من آن‌ها را به ساده‌ترین شکل ممکن ارائه می‌دهم و از هاشور و سایه‌روشن و رنگ و... استفاده نمی‌کنم. نمی‌دانم تابه‌حال کتابی را خوانده‌اید که در آن، نویسنده مطلب ساده‌ای را که می‌شود در یک جمله گفت در دوستان صفحه گفته است؟ این که دوستان صفحه مطلب بنویسی که یک جمله حرف حساب بگویی یک شیوه است؛ و این که یک جمله بگویی که به اندازه‌ی دوستان صفحه معنی داشته باشد هم یک شیوه‌ی دیگر. من در کارهایم به شیوه‌ی دوم معتقدم. در سادگی زیبایی و قدرت بیان و نفوذ

• آقای پویان، لطفاً خودتان را معرفی کنید.

[...] من سال ۱۳۳۴ در جلفای آذربایجان متولد شدم. دوران دبستان را در تهران، دوره‌ی دبیرستان را در مشهد و دوره‌ی لیسانس را در رشته‌ی گرافیک دانشکده‌ی هنرهای زیبای دانشگاه تهران گذرانده‌ام. بعد از آن، برای ادامه‌ی تحصیل، به آمریکا رفتم و دوره‌ی فوق‌لیسانس را در دانشگاه شمال تگزاس در رشته‌ی طراحی تبلیغات و گرافیک کامپیوتر گذراندم و پس از فارغ‌التحصیلی هم مدتی در همان‌جا مشغول تدریس بودم.

• کاریکاتور را از چه زمانی شروع کردید؟ [...]

واقعیت این است که من پیش‌تر خود را یک گرافیست می‌دانم تا یک کاریکاتوریست. ولی به هر حال در کنار رشته‌ی تخصصی و کار و زندگی، کاریکاتور هم به صورت یک دنیای کاملاً خصوصی و آزاد برایم مطرح بوده است. من از همان دوران کودکی به نقاشی علاقه داشتم و از دوران دبیرستان متوجه زبان خاص هنر کاریکاتور شدم و از طریق مجلات خارجی با کار چند کاریکاتوریست مشهور دنیا آشنا شدم. من عاشق صراحت بیان و سادگی این هنر بودم.

در سال اول دانشکده، به تشویق یک دوست که به روحیه‌ی من کاملاً آشنا بود- و من خود را بسیار مدیون تشویق‌هایش می‌دانم- عملاً در این زمینه شروع به کار کردم. تا مدت‌ها به دنبال یافتن شیوه و شخصیت خاص خود بودم. از همان ابتدای کار، علاقه‌ای به ترسیم کاریکاتورهای سیاسی و ژورنالیستی که مربوط به یک موضوع یا مقاله‌ی خاص بود، نداشتم. دوست داشتم موضوعاتی را در کارهایم مطرح کنم که در همه جا و همیشه قابل ارائه باشد. [...]

کار دارم که روی زمین با گرفتاری‌های زیادی دست‌به‌گریبان است. خلاصه این‌که با یک نگاه فلسفی، جامعه‌شناسانه و روان‌شناسانه به انسان‌ها و محیط زندگی‌شان نگاه می‌کنم و تلاش دارم مسائلی را مطرح کنم که آدمی تا دنیا دنیا است، با آن روبه‌روست. بنابراین مخاطبان من می‌توانند از هر ملیتی باشند.

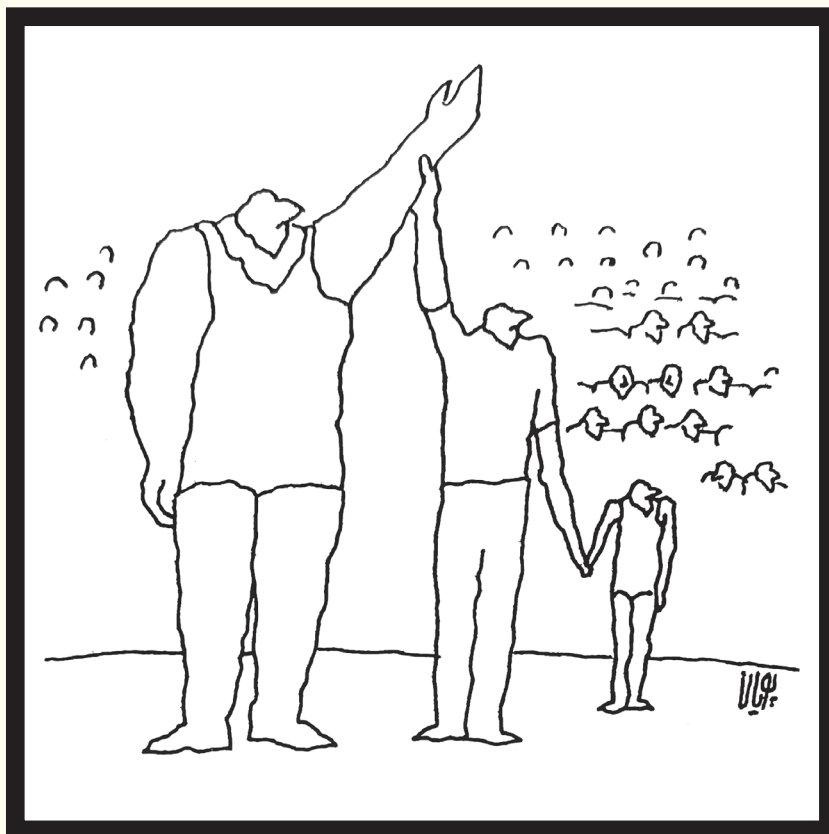
دوست دارم آدم‌ها و دنیای پیرامونم را مطالعه کنم و از طریق کارهایم گوشه‌هایی از این زندگی را به دیگران نشان بدهم که آن‌ها به طور معمول یا عادت به دیدن‌اش ندارند و یا اصلاً نمی‌بینندش. یک کاریکاتوریست این زوایا را می‌بیند. [...] موضوع کارهایم را گاه مستقیماً از جامعه و گاه پس از تفکر و تحلیل مسائل اطرافم پیدا می‌کنم. گاهی هم موضوع ساخته و پرداخته‌ی تخیلات ذهنی و دنیای درونی‌ام است. [...] ^۱

خاصی است. باید سریع با چشم بیننده ارتباط برقرار کرد و مطلب را به ذهن او منتقل نمود و از هر آن‌چه این ارتباط را کند می‌کند، باید پرهیز کرد. [...]

• لطفاً در مورد سوژه‌ها و محتوای آثار و هم‌چنین روش سوژه‌یابی خود توضیح دهید.

علاقه‌ای به کشیدن آن نوع کارهایی که فقط بیننده را بخنداند ندارم. از نظر محتوا به ایجاز معتقدم. کاریکاتورهایم در واقع نحوه‌ی نگاه کردن و طرز تفکر و برداشت من از دنیایی است که در آن زندگی می‌کنم. محور اصلی محتوای کارهایم، انسان و رابطه‌اش با انسان‌های دیگر است. مقصودم از انسان فردی نیست که محدود به شرایط جغرافیایی خاص باشد. اصولاً در کارهایم به شخص یا محل بخصوصی نظر ندارم. به انسانی

.....



(۱) این متن گزیده‌ای است از مصاحبه‌ی جواد پویان با نشریه‌ی کیهان کاریکاتور در سال ۱۳۷۱ (آبان‌ماه، شماره ۸).

